

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به گشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological	مسایل ایدئولوژیک
-------------	------------------

آزاد ل.
۱۲ اپریل ۲۰۱۴

به ارتباط نفرین

در اثر تبلیغات سوء و انسانیت ستیزی مبلغان دین اسلام در اعصار مختلف روی منظور های مشخص و غیر انسانی غرض تسلط فرهنگ خرافی اعراب و استفاده از خوشباوری های مردم نا آگاه و دور نگهداشته شده ما از سواد ، فهم و دانش عمومی، امروز یک مسلمان خوش باور و عامی باور دارد که قرآن کلام الله و بدون اشتباه است که به زبان عربی (چون خدای معرفی شده توسط اسلام تنها عربی می فهمد؟؟) توسط جبرئیل به محمد وحی شده است و تمام آیات قرآن ازلی و ابدی است، آنها باور دارند که اصل متن قرآن در آسمان موجود است و در لوح محفوظ می باشد که بعد از پیامبری محمد نظر به واقعات و شرایط مشخص کم کم به امر الله توسط جبرئیل به محمد نازل شده است ؟ تعدادی از مسلمانان مخصوصاً کسانی که ادعای نمایندگی خدا را در روی زمین دارند و رهنمائی بشریت را از وظایف مبرم و اساسی خود می دانند ادعا می کنند که قرآن حل کننده تمام مشکلات بشریت و مرهمی بر زخم های انسانها می باشد (اما از جوابگوئی به ارتباط موضوعات مهم حیاتی خود را به بهانه هائی کنار می کشند) و در این زمینه یکی از این افسانه سرایان به نام (نفضاوی) در یک کتابی به نام (غزلیات) زیر عنوان (باغ معطر) می نویسد:

قرآن حتی نیروی جنسی انسان را زیاد می کند!!! بر اساس گفتار او (خواندن قرآن انسان را برای جماع آماده می سازد) ؟

حال خود باید قضاوت نمود که اسلام به ارتباط چه موضوعاتی به وجود آمده و از نظر این دین مبین مهم ترین موضوع چه می تواند باشد ؟؟؟؟؟

خواندن قرآن برای مسلمان مفهوم فهم معنای آن را نداشته و ندارد و اکثریت مسلمانها حتی عالمان دینی هم قرآن را فقط می خوانند یعنی (قرائت) می کنند بدون این که معنی آن را بدانند و یا میل به فهم آن داشته باشند و یا در باره آن فکر کنند.

قرآن که ۱۴۰۰ سال پیش غرض جهان گشائی ، فرمانروائی و استقرار قدرت برای محمد و دوستانش به وجود آورده شد امروز برای تعداد زیادی از مسلمانان و رهبران اسلامی شکل تجارت مقدس را به خود گرفته و با استفاده های نا مرئی در چوکات های مقدس گویان زندگی مردم مخصوصاً نسل جوان را به تباهی می کشانند.

درین راستا تعدادی از نمایندگان شیخک های عربی و غلامان سوگند خورده استعمار در شرایط مختلف با استفاده از فرهنگ مقدس جلوه دادن پدیده ای به نام دین به هر طرف تازیده و صادقانه در همکاری زور گویان جهانی مانع پیشرفت عقلانی مردم شده اند، خواسته اند تاهر حرفی ، هر عملی، و هر پدیده ای را دینی جلوه داده و یا به دینی شدن آن گام بردارند تا ادیان مخصوصاً دین اسلام را مهم جلوه دهند و به همین منظور ایشان خود را عالمان دین می نامند و

در این چوکات بندی می توانند و توانسته اند هر افسانه و خرافه ای را بر مردم خوش باور قبول و ذهنیت گیر ساخته و تسلط خود را بر آنها تحمیل دارند.

از جمله وظایف مهم و عمده این ملا ها یکی هم تسلط ساختن آداب و رسوم عربی بر آنچه ما به نام کلچر شفاف و افتخار آفرین و قرار داد های اجتماعی انسانی که ساختار اصلی فرهنگی ما را تشکیل می داد، می باشد که آنها این وظیفه را در چوکات بندی های غیر منظم اسلامی در تمام ساحات زندگی ما به اشکال مختلف بر ما تحمیل داشته و می دارند و موفق هم شده اند، مثال های خیلی ساده : نام گذاشتن اسلامی، کار اسلامی، غذای اسلامی، پوشاک اسلامی گفتار و رفتار اسلامی، ازدواج اسلامی، مردن اسلامی و خلاصه همه چیز باید زیر نام اسلام تأمین کننده تسلط و نفوذ روز افزون فرهنگ عربی باشد.

و ما بی خبران هرگز از خود نپر سیده ایم چرا ؟؟؟؟؟

یکی از این موارد که ساده نگری (اگر بتوان آن را ساده نگری و یا ساده اندیشی عالمان کرام حساب نمود) اشخاصی را به نام عالم دین نشان می دهد همان مفهوم نام های ما بندگان بیچاره می باشد، اما من نمی توانم این موضوع را ساده اندیشی قبول کنم به خاطر این که از کسانی که از نمایندگی خدا حرف می زنند، مردم را امر و نهی می کنند، خواسته های خود را به نام قانون الهی بر جامعه تحمیل می دارند، خود را مالک گلبد جنت و دوزخ می پندارند، داستانهای موسی، عیسی و حتی شتر یک چشم صالح پیامبر را می خواهند تفسیر علمی نموده و از آنها موضوعات ساینسی درست کنند، و ... فکر نکنم با این همه فهم و درایت مفهوم اسمائی که بر ما با کلمات عربی بدون خواست و توقع ما توسط همین ملا گگ ها گذاشته شده را ندانند؟؟ و یا هم تصور نمود که به فهم مفهوم اسم توجهی ندارند؟

آنها همه در تلاش تسلط فرهنگ عربی به هر شکلی که باشد می باشند نه مفاهیم آن؟؟ مثلاً همین آقای پروفسر ملا سیاف اسمش تا زمانی جلب کمک های سعودی به ارتباط جهاد افغانستان عبدالرسول سیاف بود، خودش و هزاران عالم دین مثل او می فهمیدند اسمی بی مفهومی است یعنی (بنده رسول) و این خیلی هم مضحک است!! اما چون ضرورت پول گرفتن و امتیازات مادی پیش آمد اسم خود را فوراً از بنده رسول به بنده خدا یعنی عبدالرب تغییر داد تا اقلأ مورد تمسخر باداران عربی خود قرار نگیرد!!

ما به هزاران همچو اسم هائی داریم اما از این که عربی است عالمان دین ما چیزی نمی گویند هر چه باشد اگر کلمه عبدل (بندگی) و یا غلام پیشوند داشته باشد برای ملا گگ های ما فرقی ندارد!! حتی اسم ما را (کلبی حسین) یعنی سگ حسین گذاشتن برای آنها فرقی ندارد چون آنها معتقد به غلامی و سگ بودن اعراب هستند اما!!!!!! اسم فارسی دری داشتن در قاموس آنها من حیث یک چیز وحشتناک تجسم داشته و یک جرم، گناه، (مخصوصاً) بی توجهی به فرهنگ عربی حساب می شود که مسلماً به زعم آنها از جمله (گناهان کبیره) می باشد.

در باره این که آیا قرآن کلام خدا است؟ آیا محمد به حقیقت انسان خوب و بشر دوست بود؟ آیا قرآن عدالت و حقوق مساوی بین مردم را تأمین و تضمین می نمود و یا میکند؟ و.... من چندین سال است به ارتباط این همه موضوعات مستند به تشریح آیات قرآنی، احادیث نبوی، تاریخ اسلام و تشریح زندگینامه محمد و چپاولگران اسلامی نوشته ام و نمی خواهم تکرار مطالب را انجام دهم.

انگیزه نوشتن این چند سطر مطالعه نوشته پر محتوا و سؤال بر انگیز دانشمند گرامی محترم جاوید بود که از علمای کرام سؤالی پر محتوا، علمی و قابل فهم را زیر عنوان (نفرین) مطرح که در همین پورتال آزادگان اقبال نشر یافت.

اما یکی از بهترین عالمان دین که نوشته های زیادی پیرامون موضوعات مختلف اسلامی و عربی دارند بی توجه از سؤال شان مبنی بر این که: چرا خدائی را که قرآن معرفی داشته در سورة المسد چنان عاجز شده که به بنده های خود

نفرین می فرستد و دعای بد می کند و ...؟؟ فقط آنچه او شان لطف نموده و در نوشته جوابیه خود اضافه نمودند کلمه عبدل پیشوند اسم جاوید بود یعنی که : عبدالجاوید (ده کجا و درختان در کجا)؟

با وجودی که جای تعجب نیست که کسی حاضر نمی شود به همچو سؤال هائی جواب دهد اما بنده فقط خواستم غرض تسکین خودم این چند سطر را بنویسم که در قبال داشتن عالمان دینی که از آسمان و زمین گزو پل می دارند واز همه شیاطین و اعمال شان ، ملایکه و عبادات شان ، ثواب های نماز جماعت در مدینه ، خشت شماری مساجد مدینه ، فواید آب زمزم، لباس پوشیدن نوع عربی ، چاپلوسی آقایانه به شیوخ اعراب ، صد نوع نماز ، هزاران نوع دعا، خوراک و پوشاک اجنه ، هتل های پنج ستاره در مدینه و مکه، شرعی بودن و چند زن داشتن شیوخ خلیج ، (به ارتباط این موضوع قصه ای را که دوستم به من تعریف نموده در ذیل می نویسم) و... معلومات دارند اما !! کوچکترین و ساده ترین سؤالی را نمی توانند جواب دهند چون بر ملا کننده پایه های استعماری عربی در تبنای با کشور های امپریالیستی می باشد !! بر حال مردم خوش باور خود تأسف خوردم

داستان آن دوست : او گفت : (با کمال معذرت !! نتوانستم آن داستان واقعی و تلخ را بنویسم ، شرمیدم ، چون هنوز هم انسانم ، افغان و بی عقیده به اسلام) کسانی دیگری اگر بنویسند شاید!!؟ بتوانم بخوانم.